

دوتا ۱۸۵	در میان گذاشتن برکات ۳۵
T = معلم ۱	S = معلم ۲
يك شاگرد آنچه از فیلیپیان ۱ - ۴ یاد می گیرد با دیگران در میان می گذارد .	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات رازگهان است یاد خواهید گرفت تا شاگرد عیسی مسیح شوید . دو معلم آنچه که از رازگهان خود یاد گرفته اند با شما در میان خواهند گذاشت . در طی هفته گذشته ما هر روز با قسمتی از عهد جدید رازگهان داشتیم و هفته ای یکبار برای در میان گذاشتن آنچه یاد گرفته ایم با هم جمع می شویم . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در دفترچه خود ، یادداشت بردارید یا آن را ضبط کنید . ابتدا روش رازگهان را توضیح خواهیم داد . سپس حقایق مهم و درس هایی را که از رازگهان خود یاد گرفته ایم با دیگران در میان می گذاریم و سعی می کنیم به بعضی از سئوالات سخت جواب دهیم . موضوع امروز این است : يك شاگرد آنچه را از فیلیپیان ۱ - ۴ یاد می گیرد با دیگران در میان می گذارد .

(S) **نکته ۱.** چطور رازگهان داشته باشیم و برکات آن را با دیگران در میان بگذاریم . از یکی از هفت قسمت مشخص شده کتاب مقدس هر روز هفته با خدا مشارکت یا رازگهان داشته باشید . يك روش ساده رازگهان روش " حقیقت محبوب " است که دارای ۵ قدم است . **قدم ۱.** دعا کنید و از خدا بخواهید که با شما صحبت کند . **قدم ۲.** یکی از هفت قسمت مشخص شده را بخوانید . **قدم ۳.** حقیقت محبوب خود را انتخاب کنید . این حقیقت آیه یا قسمتی که خدا از طریق آن با شما صحبت می کند ، شما را به فکر کردن تشویق می کند . و با قلب شما را لمس می کند . **قدم ۴.** بر حقیقت محبوب خود تعمق کنید . با انجام چهار مورد زیر تعمق کنید . اول . در مورد معنی کلمات مختلف فکر کنید . دوم . از خدا بپرسید که قصد دارد به شما چه بگوید . سوم . با ساختن يك کاربرد عملی حقیقت محبوب خود را به زندگیتان مربوط سازید . **چهارم.** مهمترین افکار حاصل از تعمق خود را در يك دفترچه یادداشت بنویسید تا بتوانید با دیگران آنها را در میان بگذارید . **قدم ۵.** در مورد حقیقت محبوب برای خودتان دعا کنید . سپس برای شخصی در خانواده ، برای شخصی که از شما دور است در ارتباط با حقیقت محبوب دعا کنید . وقتی که با یکی از دوستانتان و یا سایر مسیحیان در يك گروه خانگی و یا گروه شاگردسازی جمع می شوید به نوبت تعمق حاصل از یکی از رازگهانهای خود را در میان بگذارید . ممکن است سعی کنید که پاسخ بعضی از سئوالات مربوط به قسمتهای مشخص شده را پیدا کنید .

(T) **نکته ۲.** در میان گذاشتن برکات از فیلیپیان ۱ - ۴ . در هفته گذشته ما فیلیپیان ۱ - ۴ را خواندیم و بر روی آن تعمق و دعا نمودیم . حالا ما از یادداشت های رازگهان خود برای در میان گذاشتن حقایق و برکات این قسمت و گفتگو در مورد بعضی سوالهای آن ، استفاده می کنیم .

در میان گذاشتن برکات رازگهان از فیلیپیان فصل ۱

من می خواهم از فیلیپیان ۱ : ۱۲ - ۱۴ درباره **شادی مسیحی در پیشرفت انجیل** مطلبی با شما در میان بگذارم . شرایط دشوار زندگی پولس باعث پیشرفت انجیل گردید . وقتی پولس در سال ۶۱ میلادی به فیلیپیان نامه می نوشت او هنوز در روم زندانی و در انتظار محاکمه ای بود که به مرگ یا آزادی او منجر می گشت . او تصمیم و یا انتظار زندانی شدن را نداشت . پنج سال قبل ، او تصمیم داشت تا به روم و از آنجا به اسپانیا برود و انجیل را موعظه کند . اما او در اورشلیم دستگیر و در قیصریه تا زمان فرستادنش به روم دوسال زندانی شد . و بعد برای محاکمه به نزد پر قدرت ترین شخص آن زمان یعنی قیصر فرستاده شد . پولس بجای اینکه چون يك شخص آزاد وارد روم گردد بعنوان يك زندانی به آنجا رفت . دوم تیموتائوس ۴ : ۱۶ روشن می کند که در اولین محاکمه اش هیچکس در کنار او نماند بلکه همه او را ترك کردند . بنابراین او به تنهایی و بدون هیچ دوستی وارد روم گردید . اما حتما پیغام خداوند به پولس سالها قبل در قرنتس باعث تشویق و تسلی او گردید . در آنوقت خدا به پولس وعده داد ، " از هیچکس نترس ! با دلیری موعظه کن و از این کار دست نکش چون من با تو هستم و کسی نمی تواند به تو آسیبی برساند . بسیاری در این شهر به من تعلق دارند . " (اعمال ۱۸ : ۹ - ۱۰) .

در روم ، پولس اجازه داشت تا در خانه خود زندگی کند و در واقع در آنجا بازداشت باشد . او در واقع به يك سرباز زنجیر شده بود که نگهبان او بود (اعمال ۲۸ : ۱۶ ، ۲۰ ، ۳۰) سربازان جای خود را با هم عوض میکردند و در نتیجه او با بسیاری از سربازان در ارتباط بود . باوجودی که ما تصور می کنیم این افراد احتمالاً آخرین کسانی خواهند بود که تحت تاثیر انجیل قرار بگیرند . اعمال ، سخنان و حضور پولس شدت بر آنها تاثیر گذاشت . آنها در حالیکه پولس با دوستانی که برای ملاقاتش آمده بودند صحبت می کرد ، وقتی که نامه ای را می گفت تا کاتبش بنویسد ، وقتی با قاضی یا با خود آنها بعنوان نگهبانانش صحبت می کرد ، گوش می کردند ، و به آنچه می دیدند و می شنیدند ایمان آورند . و آن را انتشار دادند . پیغام انجیل از سربازی به سربازی دیگر منتقل شد و از طزیق خانواده هایشان بیشتر منتشر گردید . انجیل به سربازان نگهبان قصر قیصر و بالاخره حتی به خود اعضای خانواده او رسید (فیلیپیان ۴ : ۲۲) . پیغام انجیل همچنین به بیرون از ارتش و به ساکنان روم رسید (۱ : ۱۴) . انجیل موضوع صحبت مردم شهر شد .

و بنابراین بعد از اینکه پولس دید چطور فقط بخاطر اینکه او تمام این شرایط دشوار را تجربه کرده خدا کاری کرد تا بسیاری از مردم انجیل را بشنوند توانست بگوید ، " می خواهم این را نیز بدانید که آنچه برای من پیش آمده در واقع به اشاعه و گسترش پیغام انجیل منجر شده است ، " چطور این شرایط دشوار باعث پیشرفت انجیل گردید ؟ اول سربازان بسیاری و خانواده هایشان پیغام انجیل را شنیدند و مسیحی شدند . دوم مسیحیان بسیاری که در روم زندگی می کردند بر اثر کارهایی که خدا انجام می داد تشویق شدند و بدون هیچ ترسی شروع به بشارت دلیرانه انجیل نمودند .

من یاد گرفتم در شرایط دشوار نپرسم " چرا این اتفاق برای من افتاد؟ " بلکه باید بپرسم " چطور این وضعیت من باعث پیشرفت پیغام انجیل می شود؟ "

در میان گذاشتن برکات از فیلیپیان فصل ۲

(S) من می خواهم از فیلیپیان ۲ : ۳ - ۴ درباره شادی مسیحی در اثر خدمت فداکارانه ، مطلبی را با شما در میان بگذارم . در فیلیپیان فصل دوم پولس رسول سخن خود را با تقاضای مصرانه برای اتحاد بین مسیحیان شروع می کند . شاید در بین مسیحیان فیلیپی مشکل عدم اتحاد وجود داشت . عدم اتحاد در بین مسیحیان می تواند نتیجه چند مسئله باشد . گاهی اوقات مسیحیان بر ضعف برادران خود تاکید زیادی می کنند یا محاسن شان را بی ارزش می شمارند . گاهی اوقات بعضی از برادران انگیزه های اشتباهی دارند و از کلیسا برای خواسته های خودخواهانه خود استفاده می کنند . گاهی مواقع برادران از نظر روحانی رشد نمی کنند و به رفتار دوران بی ایمانی خود ادامه می دهند . وضعیت هرچه باشد پولس رسول می خواهد به آنها فروتنی بیاموزد . چون فروتنی برای اتحاد مهم است . فروتنی از نظر لغوی به معنای ذهنی با افکاری متواضع است . شخص فروتن در مقابل خدا و مردم دیگر ارزیابی بسیار بالایی از خود ندارد . ارزیابی او از خودش غیر واقع بینانه نیست . او در رابطه با آنچه که میتواند انجام دهد ، واقع بین است . او در مورد توانایی های خود تبلیغ نمی کند یا ضعف هایش را مخفی نمی سازد . او در مورد اهمیت ، توانایی ها ، اموال یا موفقیت هایش تبلیغ نمی کند . او با غرور از خودش سخن نمی گوید و سعی نمی کند بر دیگران تسلط داشته باشد . او دیگران را خوار نمی شمارد بلکه آنها را از خودش بهتر می داند .

غیر مسیحیان اغلب فروتنی را بزدلی می دانند . اما وقتی روح القدس قلب کسی را عوض می کند فروتنی از روی ترس تبدیل به فروتنی از روی محبت می گردد . فروتنی از روی محبت فروتنی حقیقی می باشد . این فروتنی با مفید بودن ، قدردانی کردن و خودخواه نبودن همراه می باشد . ما می خوانیم ، " خود خواه نباشید و برای خودنمایی زندگی نکنید . فروتن باشید و دیگران را از خود بهتر بدانید . فقط به فکر خودتان نباشید بلکه به کار و مسایل دیگران هم توجه نمایید . " اتحاد در کلیسا بر اثر جاه طلبی های خودخواهانه به خطر می افتد . وقتی که افراد بر اساس رقابت نامقدس و انگیزه های خودخواهانه ، خواهان قدرت طلبی برای کنترل همه چیز و آرزوی داشتن افتخارات می باشند ، نتیجه می تواند رقابت های گروهی در کلیسا باشد . در غلاطیان ۵ : ۲۰ پولس هشدار می دهد کسانی که باعث تقسیم کلیسا به گروه های مختلف و نزاع می شوند وارد ملکوت خدا نمی شوند . " دیگران را از خود بهتر دانستن " بمعنای قدردانی از یکدیگر بخاطر نقاط قوت و کمک خاص به کلیسا می باشد . " نفع دیگران را طالب بودن " با انجام آرزوهای شخصی متفاوت است . نفع آنها چیزهایی است که به رفاه آنها کمک می کند و آن امور مورد علاقه عیسی مسیح هم هستند (۲ : ۲۰ - ۲۱) . نفع واقعی دیگران قبل از هر چیز نجات آنهاست ، رشد آنها ، تقدیس و وفاداری آنها ، نفع واقعی دیگران چیزهایی است که به آنها کمک می کند تا برای خدا و ملکوت خدا بهترین باشید . من می خواهم واقعا فروتن باشم و بشکلی مفید ، بافادکاری و قدرشناسی خود آنرا نشان دهم .

در میان گذاشتن برکات از نگاهان از فیلیپیان فصل ۳

(T) می خواهم از فیلیپیان ۳ : ۳ - ۱۱ درباره شادی مسیحی در اثر بیشتر شبیه مسیح شدن مطلبی در میان بگذارم . در فیلیپیان ۳ : ۳ - ۶ پولس گنجهای زمینی خود را بر می شمارد . بر خلاف ادعای معلمین و رسولان کاذب پولس امتیازات زیادی داشت . اول چیزهایی بود که والدینش به او داده بودند آنها به او ملیت و فرهنگ داده بودند . او بعنوان يك اسرائیلی متولد شده بود . دوم او با تلاش خود توانسته بود چیزهایی را بدست آورد . او دارای بهترین تحصیلات ، عضو بهترین گروه بود و با نگاهداشتن شریعت ، عدالت شخصی خود را کسب کرد . بسیاری از مردم ، مثل زمانی که پولس هنوز بی ایمان بود ، اعتمادشان به تحصیلات ، امنیت شغلی ، دارایی ها ، قدرت ، رابطه شان با افرادی قوی یا مذهب و کارهای خوب خودشان است . پولس می توانست اعتماد خود را بر روی تمام این چیزهای ظاهری بگذارد اما در آیه ۳ او می گوید ، " با توانایی ها و امتیازات انسانی خود قادر به نجات خود نیستم . " پس پولس با گنجهای زمینی خود چکار می کند ! در آیه ۷ می خوانیم ، " اما اکنون همه این امتیازات را که روزگاری برایم بسیار با ارزش بود دور ریخته ام تا بتوانم ایمان و امیدم را به مسیح ببندم ، " آیه ۷ به گذشته او اشاره می کند . و وقتی او متبدل شد تمام این گنج های زمینی را رد کرد نه بخاطر اینکه آنها ذاتا چیز بدی بودند بلکه بخاطر اینکه آنها تبدیل به مانع شده بودند . غرور او در مورد ملیت ، فرهنگ ، مذهب و موفقیت هایش زمینه ای شده بود برای اینکه او از خود راضی باشد و خود را جلال دهد . دارایی های قبلی او تبدیل به نوعی بدهی گشته بوده جای پاهای قبلی او حالا سنگ های لغزش دهنده شده بود . تمام اعتمادی که او در گذشته به چیزهای ظاهری داشت دشمنان او گردیده بودند . اگر پولس همچنان به این گنجینه کهنه وابسته باقی می ماند آنها باعث می شدند که او از تنها نفع واقعی زندگی یعنی خود مسیح محروم شود . در آیه ۸ او می گوید ، " بلی همه چیز در مقابل نعمت شناخت خداوند عیسی مسیح بی ارزش است . بنابراین این همه را کنار گذاشته ام چون برای من پیشیزی ارزش ندارد با این هدف که مسیح را داشته باشم . " آیه ۸ - ۱۱ به آینده نگاه می کند . پولس بعد از دگرگونی اش ، تنها يك آرزو داشت که مسیح را به دست آورد . او می خواست در سه قسمت مهم مسیح را به دست آورد . او می خواست مسیح را بشناسد ، در مسیح یافت شود و مثل مسیح شود .

اول . در آیه ۸ پولس می گوید که او می خواهد مسیح را بشناسد . این خواسته به رابطه او با مسیح اشاره می کند . هدف او این است که مسیح را شخصا و از نزدیک بشناسد . این شناخت به شناخت ذهنی و قلبی اشاره می کند . من چطور می توانم مسیح را شخصا و از نزدیک بشناسم ؟ با داشتن رازگهان روزانه که شامل خواندن کتاب مقدس و دعا کردن به نزد خدا می باشد .

دوم . در آیه ۹ پولس می گوید که می خواهد در مسیح یافت شود . این به موقعیت او در مسیح اشاره می کند . پولس قبل از ایمان آوردن از نردبان تلاش شخصی صعود کرده بود . بعد از دگرگونی اش او کار نجات کامل عیسی مسیح را پذیرفت . موقعیت او

در عیسی مسیح به معنای اطمینان می باشد . او می داند که خدا او را دعوت کرده و عادل شمرده و او می داند که خدا مطمئن او را تقدیس می کند و جلال می دهد (رومیان ۸ : ۲۹ - ۳۰)

سوم . در آیه ۱۰ ، پولس می گوید که او می خواهد بیشتر شبیه مسیح بشود . این آرزو به مراحل رشد در مسیح اشاره می کند . مراحل رشد در عیسی مسیح بمعنای پیشرفت در زندگی مسیحی می باشد . او می خواهد قدرت زندگی مسیحی را تجربه کند . قدرتی که او را از طبیعت گناه آلودش آزاد می کند و به او توانایی می بخشد تا آنچه عیسای مسیح می گوید را انجام دهد . او می خواهد از نمونه عیسی مسیح پیروی کند و جفا و طرد شدگی را که این پیروی بدنبال دارد تجربه نماید . او می خواهد برای اینکه بتواند عیسی مسیح را بشکل موثر تری خدمت کند گناهان را زیر پا بگذارد . پولس مصمم است تا هرچه را که مانع بدست آوردن مسیح می شود را کنار بگذارد . من می خواهم تا اثر قدمهای پولس را دنبال کنم و هر گنج زمینی را کنار بگذارم که مرا از زندگی مسیحی ام و تلاشم برای بدست آوردن مسیح دور می کند .

در میان گذاشتن برکات از فیلیپیان فصل ۴ .

(S) می خواهم از فیلیپیان ۴ : ۴ - ۷ درباره شادی مسیحی همراه با آرامش و رضایت مطالبی را با شما در میان بگذارم . همه ما با شرایط سخت روبرو شده ایم . ما خود شرایط سخت را انتخاب نمی کنیم بلکه آنها بهرحال وارد صحنه زندگی ما می شوند . بعضی از مردم در مقابل این بحرانها عکس العمل منفی نشان می دهند . بعضی مردم تلخ می شوند یا دیگران را مقصر می شمارند یا سرزنش می کنند . یا سرکشی و جنگ می نمایند . دیگران مایوس و مغموم می شوند یا از دنیایی که خدا برای آنها خلق کرده وارد دنیایی که خودشان برای خود خلق کرده اند می شوند . دنیایی مثل دنیای خواندن کتاب ، نوشیدن الکل یا استفاده از مواد مخدر . پس يك مسیحی باید در مقابل شرایط مشکل چه عکس العملی نشان دهد ؟

اول . به مشکلات با شادی عکس العمل نشان دهید . شادی ، پاسخی درونی به قلب شماست . فیلیپیان ۴ : ۴ می گوید : ” در خداوند دائماً شاد باشید . “ شاید همیشه شادی کردن بدون توجه به اینکه این شرایط چقدر مشکل هستند چندان منطقی به نظر نرسد . آیا وقتی کسی شکست های خود در گذشته را بیاد می آورد می تواند شادی کند ؟ آیا او وقتی رنج کشیدن عزیزانش را می بیند می تواند شادی کند ؟ تنها وضعیت موجود شرایط قلب يك مسیحی را مشخص نمی کند . يك مسیحی می تواند از درون شادمان باشد حتی وقتی که در بیرون همه چیز تاریک است . چون او با عیسی مسیح متحد می باشد . شادی آن خوشحالی درونی است که ناشی از تسلط خدا بر همه چیز می باشد . که هیچ چیز بدون اجازه او اتفاق نمی افتد . که همه چیز برای خیریت ما است و اینکه بالاخره خدا نقشه کامل خود را در ما تحقق می بخشد .

دوم . با آرامش با مشکلات روبرو شوید . آرامش ، پاسخ بیرونی به شرایط دشوار است . فیلیپیان ۴ : ۵ می گوید : ” در هر کاری از خود گذشتگی نشان بدهید و ملاحظه دیگران را بکنید . بخاطر داشته باشید که خداوند به زودی باز می گردد . “ مسیحیان قرننسی آرام و خود دار نبودند . وقتی آنها با هم اختلافی داشتند همدیگر را به دادگاه می کشاندند . (اول قرننسیان ۶ : ۱ - ۸) . در مقابل مسیحیان عبرانی آرام بودند . گاهی آنها در ملا عام مورد اهانت قرار می گرفتند یا اموالشان توقیف می شد ولی با شادی این سختی ها را می پذیرفتند . چون آنها می دانستند که دارایی بهتر و ماندنی تری در آسمان خواهند داشت (عبرانیان ۱۰ : ۳۳ - ۳۴) . يك مسیحی که خود دار است ترجیح می دهد تا به ناحق رنج بکشد تا به اشتباه به کسی آزاری برساند . او داوطلبانه از حق خود می گذرد و صبورانه خشم خود را آرام می سازد بدون اینکه عکس العمل منفی نشان دهد .

از آنجاییکه خداوند دآوری می کند و به حساب ها می رسد ترجیح می دهم که خداوند در مقابل ضعف ها و شکست های من آرام و خود دار باشد . نتیجه ، وقتی من هم با شرایط دشوار و افراد مشکل آفرین مواجه می شوم باید بجای مقابله به مثل و جنگیدن به آرامی عکس العمل نشان دهم .

سوم . پاسخ به مشکلات با دعا . دعا ، نهایی ترین پاسخ نسبت به خداست . فیلیپیان ۴ : ۶ - ۷ می گوید : ” برای هیچ چیز غصه نخورید در عوض برای همه چیز دعا کنید و هر چه لازم دارید به خدا بگویید و فراموش نکنید که برای جواب دعاها از او تشکر نمایید . اگر چنین کنید از آرامش خدا بهره مند خواهید شد آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست این آرامش الهی به فکر و دل شما که به عیسی مسیح ایمان آورده اید راحتی و آسایش خواهد بخشید . “ چه کسی نگرانی یا غصه ندارد ؟ ولی بجای بیدار دراز کشیدن در شب و فشار آوردن به ذهن در جستجوی يك راه حل و مبتلا شدن به زخم معده باید دعا کنم . برای مثال ، من قبل از انجام کاری یا خرید چیزی دعا می کنم . من قبل از مسافرت ، قبل از ملاقات مردم یا قبل از تصمیم گرفتن دعا می کنم . آرامش خدا می تواند چیزی که تصور آن در ذهن من نمی گنجد را انجام دهد .

آرامش ، فقدان احساس تقصیر ، ترس و طرد شدگی است . آرامش رهایی از عدم امنیت ، عدم رضایت و تنش می باشد . يك مسیحی با خدا و دیگر مردم در صلح می باشد .

آشتی با خدا ، رهایی از احساس تقصیر است . یعنی متقاعد شدن در مورد بخشش گناهان گذشته من . آرامش ، رهایی از ترس است یعنی متقاعد شدن در مورد این حقیقت که مشکلات فعلی به خیریت من تمام می شوند .

آرامش ، رهایی از احساس طرد شدگی است . یعنی متقاعد شدن در مورد این حقیقت که آینده من نمی تواند مرا از خدا جدا سازد . آشتی با خدا ، امنیت را جایگزین نا آرامی های من می سازد و قلب خالی ام را از احساس رضایت مملو می سازد . و زندگی خرد شده ام را دوباره کامل می سازد .

آشتی با مردم ، بمعنای عدم وجود احساس گناه ، ترس یا طرد شدگی نسبت به مردم و در عوض احساس احترام به آنهاست .

آشتی با افراد دیگر به معنای این است که هماهنگی و بنا کردن یکدیگر ، جانشین تنش شده است .

نتیجه گیری . وقتی من درباره شرایط نگران می شوم باید بجای تلاش شخصی برای حل آن دعا کنم .

(T) تکلیف برای هفته آینده .

اول . کولسیان ۱ - ۴ را به ۷ قسمت تقسیم کنید . هر روز از يك قسمت رازگهان داشته باشید . یادداشتهای رازگهان های خود را در يك دفترچه بنویسید . هفته ای یکبار با يك دوست یا با يك مشارکت خانگی یا يك گروه شاگردی جمع شوید و برکات رازگهان های خود را با او در میان بگذارید .

دوم . کتابهای دستور عمل ” بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید ” را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید .

سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش کنید .